



مجموعه مقالات علمی کنگره

ایستاد آقا فیضی



به کوشش
دکتر شاکری

طلب و اراده از دیدگاه امام خمینی (ره)

○ عبدالکریم عبدالمطلبی

عضو هیات علمی دانشگاه اودوسی مشهد

چکیده:

طلب و اراده از جمله مباحثی است که برای غالب علما و متفکرین دغدغه ایجاد کرده است. بحث و نهمین راجع به جایگاه این مهم در میان اصولیین، فلاسفه و متکلمین در نسله‌های گونه‌گون فکری موجود از پهنی نظریه‌های مختلف در مورد این موضوع شده است.

نوشته حاضر با بررسی مباحث مطروحه در این گستره به تبیین منشاء اختلاف‌نظر در جایگاه طلب و اراده می‌پردازد.

این جستار با تشریح و بررسی نظرات گونه‌گون در مورد طلب و اراده، ارایی حضرت امام خمینی (ره) در این حوزه را می‌نمایاند.

یکی از مسائل غامض و پیچیده‌ی مطروح در کتاب‌های اصولی^(۱)، فلسفی^(۲) و کلامی^(۳)، مسأله‌ی «طلب و اراده» است که امام خمینی (ره) در ضمن بیان معنای «آفره» از مباحث اصولی وارد مبحث طلب و اراده شده و رساله‌ی مستقلی را به زبان عربی، براساس مشرب خاص فلسفی مبتنی بر حکمت متعالی نگاشته‌اند.

رساله‌ی مزبور دارای یک مقدمه و شش مطلب است. مقدمه‌ی آن مشتمل بر بیان منشاء اختلاف در اتحاد و تقابیر طلب و اراده است که منشأ آن را اختلاف در کلام نفسی^(۴) و ریشه‌ی این اختلاف را در صفات واجب تعالی می‌دانند.

دیدگاه اشاعره به زیارت صفات از ذات باری تعالی، نظریه‌ی معتزله به نیابت ذات از صفات (توحید صفات و نفی صفات) ولی قول حق به دلیل صراحت وجود اتحاد ذات و

محققان، قواعد و شواهدی نیز برای تشخیص صفت فعل از صفت ذات خدا نوشته‌اند. از جمله این‌که: هر صفت وجودی که در مقابل آن نیز صفت وجودی باشد و بر ذات باری تعالی صادق باشد از صفات فعل است و نه صفت ذات.

و به دیگر عبارت: صفت فعل صفتی است که امکان سلب از ذات باری تعالی را دارد. اما صفت ذات، چنین نیست؛ زیرا صفات ذاتی، عین ذات خدا می‌باشند که بدیهی است ضدی برای او نیست که بر خدا صادق باشد؛ مانند این‌که درباره‌ی خداوند می‌گویند: «ها تیرب» و ما لا تیرب؛ آن‌چه را اراده کند و آن‌چه را اراده نکند؛ «ها ترضأ» و ما ینسخط؛ آن‌چه خدا را خوشنود سازد و آن‌چه او را به خشم آرد؛ «ها یحب» و ما ینفیض؛ آن‌چه را دوست دارد و آن‌چه را دشمن دارد؛ «یحب من أطاعة» و ینفیض من عصاء؛ دوست دارد هر که را اطاعت کند و دشمن دارد هر که او را نافرمانی نماید؛ انسان را مستقیم‌القامه افرید، او را برنده نیافرید؛ فلان چیز را افرید و فلان چیز را نیافرید؛ به فلاخی نعمت علم، فرزند و مال ارازی کرد و به فلاخی چنین روزی عنایت نکرد.

بنابر این، صفت «اراده از صفات اعمال خداوند است و نه ذات، زیرا برحسب قاعده‌ی فوق‌الذکر اراده را هم‌چون صفت رضا و نسخط، حبت و بقی، خلق، رزق و... می‌توانیم از ذات خدا سلب نماییم و اگر اراده هم‌چون علم، قدرت، حیات و... از صفات ذات بود امکان نداشت آن را از ذات خدا سلب نماییم و بگوییم: «ها لا تیرب»؛ زیرا سلب صفات ذات از باری تعالی صحیح نیست و لذا درست نیست که گفته‌شود: «ها لا یعلم و ما لا یقدر»؛ خداوند به فلان چیز علم ندارد و یا قادر بر آن نیست.^(۶۱)

عن بکیر بن آفین قال: قلت لأبي عبد الله - عليه السلام - علم الله - تشبیهت لنا مخلوقان أو بیغیان؟ فقال: «العلم ليس هو المشیة الا ترى انک تقول: سائل کذا ان شاء الله و لا تقول: سائل کذا ان علم الله، فتوکل ان شاء الله ذیل علی انک یسأله ان شاء کذا ان شاء کذا شاء و علم الله الشایء بالمشیة»^(۶۲)

بکیر بن آفین گوید: به امام صادق^(ع) عرض کردم: علم و مشیت (دانش و خواست) خدا دو چیزند یا یکی؟

فرمود: علم، مشیت نیست، آیا نمی‌نگری که می‌گویند: به زودی چنین خواهیم کرد اگر خدا بخواهد، و نمی‌گویند چنین خواهیم کرد اگر خدا بداند؛ پس این‌که می‌گویند: اگر خدا بخواهد، دلیل بر این است که خدا نخواسته است، پس هرگاه خواست، انجام خواهد شد. آن‌گونه که خواسته است و علم خدا پیش از خواستن است.

صفات می‌باشد، بأن هوزف الوجود هوزف کل کمال و جمال لا یفقد عنه حقیقه کماله بل یرجع کل کمال و جمال الی حقیقه الوجود به حسب الخراج، و الا یلزم التضللان أو الأوسول و التزکیف فی ذاته و الخلف فی صراة الوجود و بالامکان فی الوجود الواجبی :

زیرا صرف وجود، صرف تمام کمال و جمال است، هیچ حیثیت کمالی از آن برکنار نیست، بلکه هر کمال و جمالی خارجاً به حقیقت وجود برمی‌گردد، و اگر چنین نباشد، اولاً لازم می‌آید در جهان هستی دو اصل یا چند اصل باشد. ثانیاً لازم می‌آید ذات باری تعالی مرکب از چند چیز باشد. ثالثاً مستلزم خلف در صرافت وجود می‌شود. رابعاً امکان واجب تعالی، لازم می‌آید.

یکی از صفات واجب تعالی، تکلم است که در نعوه‌ی تکلم واجب‌الوجود نیز میان امامیه و معتزله از یکسو و اشاعره از سوی دیگر مورد نزاع است که مختار امام^(ع) در کلام باری تعالی این است که جمیع ماسوی الله، کلمات و مظاهر واجب تعالی می‌باشند. در مورد اراده‌ی باری تعالی که آیا از صفات ذات است یا فعل، میان عالمان دینی اختلاف است.

محققان به استناد ظواهر روایات رسیده در این خصوص، می‌گویند: از صفات فعل خدا است؛ مانند حدیث صفوان بن یحیی:

قال: قلت لأبي الحسن - عليه السلام - أخبرني عن الأرادة من الله و من الخلق، قال: فقال: «الأرادة من الخلق، العسر و ما یبتولهم بقدر ذلک من الفعل، و أما من الله فتالی الأرادة إحدائک لا غیر ذلک لأنه لا یزوی و لا یتکثر و هذه الصفات شقیة عنه و هي صفات الخلق، فأرادة الله القول لا غیر ذلک؛ یقول له: کز یتکون بلا لفظ و لا نطق، یسأل، و لا میتر، و لا ینبذ؛ کذا أنه لا ینبذ»^(۶۳)

گویند: به امام رضا^(ع) عرض کردم: درباره‌ی اراده‌ی خداوند و اراده‌ی خلق، برابرم توضیح دهید. فرمود:

اراده‌ی خلق، همان تصمیم باطنی است و سپس کاری که اشکار می‌شود؛ اما اراده‌ی خداوند عبارت است از ایجاد و بدین‌آوردن و نه چیز دیگر؛ زیرا خداوند، تامل و قصد و اندیشه نمی‌کند، این‌ها صفات مخلوقات است و در خداوند، چنین صفاتی نیست؛ پس اراده‌ی خداوند همان فعل خداوند است و لاغیر، می‌گویند: موجود باش، موجود می‌شود. بی‌آن‌که نیاز به لفظ و سخن‌گفتن به زبان، تصمیم و اندیشه‌های باشد، اراده‌ی خداوند هم‌چون دانش چه‌گونگی ندارد و قابل توصیف نیست.

الموجود بیه آنه موجوده و گوئه كالتطابق فی فعل الضائر من ذاته.

اما مضمون برخی از احادیث مبنی بر اینكه اراده‌ی باری تعالی از صفات فعل می‌باشد در مقام بیان اراده‌ی خدا در مرتبه‌ی فعل است كه میان اراده و فعل واجب تعالی عینیت است و اراده فعله.

اما در مرتبه‌ی ذات، اراده‌ی خدا عین ذات است، زیرا فقدان ذات باری تعالی از اراده و اختیار، مستلزم این است كه مانند قاضی طبیعی (از قبیل آتش در سوزاندن) فاقد اراده و اختیار باشد با اینكه اراده از صفات كمال است.

پی‌نوشت:

۱. منابع الأصول: سید محمدین طبرسی، محمدعلی طباطبائی، ام ۱۳۳۳ هـ ق، موسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، ص ۱۰۹.
- مدایع السیرتین، شیخ محمدنورین عین‌الحجه، سورف به صاحب حلبیة ام ۱۳۳۸ هـ ق، ص ۱۳۳.
- التفویض فی علم الأصول، شیخ محمدحسین جمال‌زوجه، سورف به صاحبیه سیرا البهاسن، طبعه الأصول، اعرابه مولی، محمدكلام خولگی، سورف به اوجیه خولگی، ام ۱۳۲۹ هـ ق، دو جلدی با جلدیه‌ی سیرا البهاسن، مكتبة كتبخاری، طبعة الطبعة ج ۱، ص ۴۳.
- اوجیه التفویض، (تقریر درس سیرا محمدحسین تلمی، ام ۱۳۵۵ هـ ق) نوشته‌ی علامه سیدابوالقاسم خولگی، (۱۳۱۷ - ۱۳۱۳ هـ ق) كتبخاری، مطبوعه قوه ج ۱، ص ۸۸.
- وقایع الأصول، (تقریر درس سیرا محمدحسین تلمی، ام ۱۳۵۵ هـ ق) نوشته‌ی محمدعلی كظمی خولگی، ام ۱۳۶۵ هـ ق، موسسه نشر اسلامی، ولایت به جلدیه‌ی مدرسین عورفی طبیبی، قوه ج ۱، ص ۱۳۰.
- بهبه‌القریبه فی شرح الكفا، شیخ محمدحسین امین‌الحی، سورف به كسینی، ام ۱۳۶۱ هـ ق، موسسه آل‌البیت (۵) اوجیه‌القریبه ج ۱، ص ۱۵۳.
- مقالات الأصول، آقا جیال‌الدین مولی، ام ۱۳۶۱ هـ ق، ج ۱، ص ۶۶.
- بهبه‌الانوار، (تقریر درس آقا جیال‌الدین مولی) نوشته‌ی شیخ محمدعلی بروجردی، ام ۱۳۵۰ هـ ق، هندی، ص ۱۶۳.
- در القواعد، جامع شیخ جمال‌كزیم حائری بزدی، ام ۱۳۵۵ ق، ج ۱، ص ۴۱.
- عقائد الأصول فی شرح كتابه الأصول، سیدمحمد حکیم، صاحب مستسك المیزه‌القرنی، ام ۱۳۹۰ هـ ق.
- الطبعة الطبعة: بیعت اعراف، سال ۱۳۷۲ هـ، ج ۱، ص ۱۶۲.
- منتهی الأصول، سیدحسن موسوی بروجردی، صاحب القواعد التقیه، ام ۱۳۹۵ هـ ق، جنب بیعت اعراف، ۱۳۷۹ هـ، ج ۱، ص ۱۱۵.
- مناجات فی اصول اللغه، (تقریر درس علامه سیدابوالقاسم خولگی، م ۱۳۱۲ هـ) نوشته‌ی محمدحسین قاضی، انتشارات امام موسی صدر، ج ۱، ص ۱۵ و ۲۴.

حذرة الكفا، علامه سیدمحمدحسین طباطبائی، ج ۱، ص ۷۱.

الإيجاز من القواعد، امین‌الحی حسین جمال‌الدین سید، سورف به انبیا و عقب به شیخ‌البرقی، ام ۲۲۷ هـ ق، انتشارات

بیان، قوه ج ۲، ص ۵۰۷.

الكفا، القواعد فی اصول العقاید الأربعة، سیدمحمد حسین طباطبائی، ام ۱۰۵۰ هـ ق، جنب اعرابه، ج ۱، ص ۱۳۳ و

ج ۲، ص ۱۱۳.

شرح سطوح، جامع ملاحذه‌ی سرداری، ام ۱۳۶۹ هـ ق، انتشارات علامه قوه بیعت اعراف، سیدمحمدحسین طباطبائی،

موسسه نشر اسلامی، ولایت به جلدیه‌ی مدرسین عورفی طبیبی، قوه جلدیه‌ی آوایی، ۱۳۰۴ هـ ق، بهمن ۱۳۶۲، ص ۱۳۱.

۳. تعقیقات فی شرح قواعد الاعتقاد، علامه‌ی قوه ام ۱۳۱۶ هـ ق، تحقیق حسین‌زکریا امین، موسسه نشر اسلامی، ولایت

به جلدیه‌ی مدرسین عورفی طبیبی، قوه ۱۳۰۷ هـ، ص ۲۸۸.

عن عاصم بن حنیئ، عن أبي عبد الله - عليه السلام - قال قلت: لم يزل الله ترهنا قال: ما زال الترهية لا يكون إلا لثراوة نعمة، لم يزل الله غالباً قادراً ثم أراة^{۸۹}.

از عاصم بن حنیئ، روایت است، گوید: به امام صادق (ع) عرض کردم: آیا خدا همواره اراده داشته است؟

فرمود: ترهید بدون مراد همواره نمی‌باشد، بلکه خداوند همیشه عالم و قادر بوده آن‌گاه اراده نموده است.

محققان می‌گویند: به موجب این روایت، اگر اراده‌ی خدا، صفت ذات باشد، مستلزم این است كه عالم، قدیم باشد، زیرا انفكاك مراد و افرینش عالم امکان از مرید محال است و اراده‌ی تگویی، خدا از مراد، تخلف‌ناپذیر است.

در بحارالانوار، جلد ۴، صفحه‌ی ۱۳۷ آمده است: دیدگاه بیشتر متكلمان امامیه این است كه اراده‌ی خدا همان علم به خیر، نفع و هرچه كه اصلح است می‌باشد و در مورد خدا چیزی را جز علم اثبات نمی‌کنند.^(۱)

علامه‌ی طباطبائی در باورقی آن می‌نویسد: دیدگاه متكلمان، تصویر اراده‌ی ذاتی است كه عین ذات می‌باشد (اگر این تصویر، درست باشد) و اما اراده‌ای كه در اخبار است همان اراده‌ای است كه از صفات فعل است مانند زرق، خلق كه عین موجود خارجی است مانند زید، عمرو، زمین و آسمان، همان‌گونه كه شیخ مفید (ره) یادآور شده است.^(۱۱)

دیدگاه امام خمینی (ره)

نظریه‌ی امام خمینی (ره) در مورد اراده‌ی باری تعالی این است كه اراده از صفات ذات است و نه فعل، و درباره‌ی دیدگاه محققان، در رساله‌ی «طلب و اراده آمده است، کسانی كه با استناد به ظواهر پاره‌ای از احادیث، بدون توجه به عمق معنای آن، قایل‌اند كه اراده‌ی خدا از صفات فعل است و نه ذات، این گفته را برهان، رد می‌کنند، زیرا ذات واجب تعالی، أجل از آن است كه فاقد اراده باشد با این كه اراده از صفات كمال موجود بسا هو موجود می‌باشد. و نیز أجل از آن است كه صدور فعل از او هم‌چون صدور فعل از قاضی طبیعی موجب باشد كه فاقد اراده و اختیار است.

و تا فرغ ستمك بین بعضی اصحاب الحدیث و اختیاراً بطواهر بعضی الاحادیث من غیر التقریر الی تنفیها من كونه اراده تعالی حادثه مع الفعل و من صفات الفعل ربما یندمه البرهان التبیح، جل جنبه تعالی آن يكون فی ذاته جلاً عن الإرادة التي هي من صفات الكمال

شرح تجريد الاعتقاد قوشجي، ص ٢١٥.

إرشاد الضالين إلى نهج المسترشدين، جمال الدين مقمدين عبدالله سيوري حنلي، معروف به فاضل سقندار (م ٨٢٢ هـ) تحقيق سيدمهدى رجائي، انتشارات كتابخانهي آيتالله نجفي مرعشي، قم - إيران، ص ١١٨.

مبدء و معاد، ملاصدرا، ص ٩٩.

دلائل الصدق، شيخ محمدحسن (١٢٧٥ - ١٣٠١ هـ) چاپ قاهره، ١٣٩٢ هـ، ج ١، ص ٢٧٧.

٢. إبن الكلام لغى الفؤاد وإنما جوبل الأنسان على الفؤاد دالياً، (كفاية الأصول)، ج ١، ص ٩٦

٥. الأصول من الكافي، محمدبن يعقوببن اسحاق كليني رازی، معروف به لفظاً للإسلام كليني (م ٣٢٩ هـ) ترجمه محمدباقر كمرای، منشورات المكتبة الإسلامية، سال ١٣٩٢ هـ، ج ١، ص ٢٠٠، كتاب التوحيد، باب اراده.

مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (ص) مولى محمدباقر مجلسی، معروف به علامهی مجلسی (١٠٣٧ - ١١١٠ هـ) دارالکتب الإسلامية، چاپ دوم، سال ١٣٢٣ هـ، ج ٢، ص ١٦.

بحارالأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ع) مؤلف ناوروده، دار إحياء التراث العربی، بیروت، ١٤٠٣ هـ، ج ٤، ص ١٢٧، كتاب التوحيد باب ٢ - حديث ٢.

٦. الأصول من الكافي، ثقة الإسلام كليني، ترجمه محمدباقر كمرای، ج ١، ص ٢٠٢.

بُغْلَةُ الْبَطْلِ فِي صِفَاتِ الْذَاتِ وَ صِفَاتِ الْبَطْلِ.

إِنَّ كُلَّ حَيْثُومٍ وَصَفَتْ اللَّهُ بِهَا وَكُنَّا نَجْمِيهَا فِي الْوُجُوهِ فَلِذَلِكَ صِفَةُ الْبَطْلِ. وَ تَسْمِيَةُ الْبُغْلَةِ، لَأَنَّ كَثْرَتَ فِي الْوُجُوهِ مَا يُرِيدُ وَ مَا لَا يُرِيدُ، وَ مَا يُرِيدُهَا وَ مَا تَسْخَطُهُ، وَ مَا يُرِيدُ وَ مَا يَسْخَطُ، فَلِذَلِكَ الْإِرَادَةُ مِنْ صِفَاتِ الْذَاتِ يَتَلَمَّ وَ الْفُجُورُ كَأَنَّ مَا لَا يُرِيدُ نَافِعًا لِيَتَلَمَّ الْبُغْلَةَ، وَ لَوْ كَانَ مَا يُرِيدُ مِنْ صِفَاتِ الْذَاتِ كَأَنَّ مَا يَسْخَطُ نَافِعًا لِيَتَلَمَّ الْبُغْلَةَ، أَلَا تَرَى أَنَّ مَا لَا يُرِيدُ فِي الْوُجُوهِ مَا لَا يَتَلَمَّ وَ مَا لَا يَتَلَمَّ عَلَيْهِ، وَ كَذَلِكَ صِفَاتُ ذَاتِهِ الْكَرِيمِ لَسْنَا نَعْبُدُهُ بِذُنُوبٍ وَ خَيْرٍ، وَ يَلْمُ وَ يَهْتَلُ، وَ تَعَبٌ وَ حَقِيْبَةٌ، وَ حُلَابٌ وَ جُرٌّ وَ رَيْبٌ، وَ يَحْزَنُ أَنْ يَمْلَأَ يَوْمَهُ مِنْ صِفَاتِهِ مِنْ خِفَاتِهِ وَ تَقْصُرُ مِنْ صِفَاتِهِ وَ يَسْخَطُ عَلَى، وَ تَوَلَّى وَ لَا تَخْشَى، وَ لَا يَدْرُ أَنْ لَا يَكُونَ أَنْ يَمْلَأَ يَوْمَهُ أَنْ يَتَلَمَّ وَ لَا يَتَلَمَّ أَنْ لَا يَتَلَمَّ، وَ لَا يَتَلَمَّ أَنْ لَا يَسْلَمُ وَ يَدْرُ أَنْ يَتَلَمَّ، وَ يَتَلَمَّ أَنْ يَتَلَمَّ خَيْرًا حَسَبًا وَ لَا يَتَلَمَّ أَنْ يَتَلَمَّ خَيْرًا وَ لَا يَتَلَمَّ أَنْ يَتَلَمَّ خَيْرًا أَلَا تَرَى أَنَّ يَمْلَأَ، أَرَادَ أَنْ يَتَلَمَّ زَيْنًا وَ قَدِيمًا وَ خَيْرًا وَ مَاتِيًّا وَ غَالِيًّا وَ فَارًّا بِأَنَّ طَبَقًا مِنْ صِفَاتِ الْذَاتِ، وَ الْإِرَادَةُ مِنْ صِفَاتِ الْبَطْلِ أَلَا تَرَى أَنَّ يَمْلَأَ، أَرَادَ خُذًا وَ لَمْ يَرُدَّ خُذًا وَ صِفَاتِ الْذَاتِ لَمْ يَكُنْ صِفَةً يَتَلَمَّ خَيْرًا، يَمْلَأُ عَمَّ وَ غَالِيًّا وَ تَسْمِعُ وَ تَسْمَعُ وَ تَحْسَبُ وَ تَحْكُمُ، لَيْسَ يَتَلَمَّ، خَلِمَ عَدُوًّا، كَرِهَ، فَالْيَوْمَ خَيْرٌ الْبَطْلِ، وَ الْفُجُورُ خَيْرٌ الْبَطْلِ، وَ الْغِنَاءُ خَيْرٌ الْبَطْلِ، وَ الْبِرُّ خَيْرٌ الْبَطْلِ، وَ الْبُغْلَةُ خَيْرٌ الْبَطْلِ، وَ خَيْرٌ الْبَطْلِ الْبَطْلِ وَ الْبَطْلِ.

٧. الأصول من الكافي، ثقة الإسلام كليني، ترجمه محمدباقر كمرای، ج ١، ص ٢٠٠، كتاب التوحيد، باب اراده، حديث ٢.

بحارالأنوار، ج ٤، ص ١٤٤، كتاب التوحيد، باب العبرة و الإراده، حديث ١٥.

٨. الأصول من الكافي، ترجمه كمرای، ج ١، ص ١٩٩، كتاب التوحيد، باب اراده، حديث ١.

٩. بحارالأنوار، ج ٤، ص ١٢٧، اعلم أن إرادة الله تعالى كما ذهب إليه أكثر متكلمي الإمامية هي العلم بالخير و النفع و ما هو الأصلح، ولا يستعين فيه تعالى وراء شيئاً.

١٠. هذا الذي ذكره تصوير لإرادة الغاية التي هي عين الذات، إن صح تصويرهم، و أما الإرادة التي هي الأخبار فهي الإرادة التي هي من الصفات الفعلية كالترزق و الخلق و هي نفس الموجود الخارجي من زيد و عمرو و الأرض و السماء كما ذكره شيخنا المتفريد رحمة الله ط.